

پیش نویس لایحه قانونی ماده واحده الحاق چهار ماده به فصل دوم تعیین حدود وظایف و اختیارات و مسؤولیت های ریاست جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۵/۸/۲۲ (شماره ۱)

ماده یک - رییس جمهور در اجرای اصول ۱۲۱ و ۱۱۳ قانون اساسی، در صورتی که پس از مشورت با هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی، تشخیص دهد اصل یا اصولی از قانون اساسی و حقوق ملت مندرج در آن نقض گردیده است؛ دستور توقف اقدام ناقض قانون اساسی را صادر و موضوع را به هیأت تشخیص موارد نقض قانون اساسی ارجاع می دهد.

ماده دو - به منظور اجرای صحیح مسؤولیت رییس جمهور در اجرای قانون اساسی هیأتی تحت عنوان «هیأت تشخیص موارد نقض قانون اساسی» که در این قانون «هیأت تشخیص» نامیده می شود با ترکیب زیر و به مدت چهارسال با حکم رییس جمهور تشکیل می شود.

۱- سه حقوقدان به انتخاب نمایندگان مجلس شورای اسلامی.

۲- سه قاضی دیوان عالی کشور به انتخاب هیأت عمومی دیوان عالی کشور.

۳- سه حقوقدان به انتخاب هیأت وزیران.

ماده سه - هیأت تشخیص پس از انجام کلیه بررسی ها و تحقیقات لازم از جمله کسب اطلاع و بازرسی با حضور نماینده دستگاه مربوطه موضوع را بررسی و نظرات خود را به رییس جمهور اعلام می نماید.

تبصره ۱ - نماینده دستگاه مربوطه بدون حق رأی در جلسه شرکت می کند و عدم حضور وی مانع از بررسی و اعلام نظر هیأت تشخیص نخواهد بود.

تبصره ۲ - دستگاه های ذی ربط موظفند حسب درخواست هیأت تشخیص امکان بازرسی فوری را فراهم نموده و حداکثر ظرف مدت ۲۰ روز به سؤالات مطروحه از جانب هیأت تشخیص پاسخ داده و، یا اسناد و مدارک درخواستی را ارائه نمایند. بنابر درخواست دستگاه های ذی ربط و حسب ضرورت، هیأت تشخیص می تواند مهلت ارائه جواب و اسناد و مدارک را تا ۲۰ روز دیگر تمدید نماید. عدم ارسال جواب و اسناد و مدارک مانع از طرح و بررسی و اتخاذ تصمیم نخواهد بود.

تبصره ۳- کلیه ارکان و دستگاه‌های حکومتی اعم از تقنینی، اجرایی، قضایی مکلف به همکاری با هیأت تشخیص در انجام وظایف مربوطه و انجام دستورات رییس جمهور در اجرای قانون اساسی می‌باشند. مستنکف به مراجع صالحه اداری یا قضایی معرفی می‌شود.

ماده چهارم - رییس جمهور بعد از اخذ نتایج بررسی‌های هیأت تشخیص بر اساس نظرات هیأت تشخیص اتخاذ تصمیم می‌نماید. این تصمیم قطعی و لازم‌الاجراء است و مستنکف از اجرای آن به مراجع صالحه معرفی و به یک تا پنج سال انفصال از خدمات دولتی محکوم می‌گردد.

قانون نحوه اجرای مسؤولیت رییس جمهور در اجرای قانون اساسی (شماره ۲)

عقدمه

اصل یکصد و سیزدهم قانون اساسی برای رییس جمهور سه شأن قائل شده است:

۱- ریاست قوه مجریه جز در اموری که مستقیماً به رهبری مربوط می شود. ۲- عالی ترین مقام رسمی کشور پس از مقام رهبری ۳- مسؤولیت اجرای قانون اساسی. طبق اصل مزبور، رییس جمهور، علاوه بر این که مانند رؤسای قوه مقننه و قضائیه، ریاست یک قوه را که قوه مجریه است بعهدده دارد به عنوان رییس جمهور مسؤولیت اجرای قانون اساسی نیز به عهده اوست. اصل یکصد و بیست و یکم نیز رییس جمهور را موظف می کند در مجلس شورای اسلامی با حضور رییس قوه قضائیه و اعضای شورای نگهبان سوگند یاد نماید که پاسدار مذهب رسمی و نظام جمهوری اسلامی و قانون اساسی باشد و از آزادی و حرمت اشخاص و حقوقی که قانون اساسی برای ملت شناخته است حمایت کند. برای تبیین نحوه اجرای این مسؤولیت و حدود وظایف و اختیارات رییس جمهور در این مورد با توجه به سایر اصول قانون اساسی، لایحه قانونی زیر تهیه و برای تصویب به مجلس شورای اسلامی تقدیم می گردد.

ماده ۱- رییس جمهور در اجرای وظایف خود در چهارچوب اصول یکصد و سیزدهم و یکصد و بیست و یکم قانون اساسی، موظف است تمهیدات لازم را برای اجرای قانون اساسی به کار گیرد و بر اجرای آن از سوی قوای سه گانه و کلیه نهادهای حکومتی نظارت نماید.

ماده ۲- رییس جمهور موظف است از طریق نظارت، کسب اطلاع، بازرسی، پیگیری، بررسی و اقدامات لازم، موجبات اجرای صحیح قانون اساسی، جلوگیری از توقف و نقض قانون اساسی و رفع آثار ناشی از نقض را فراهم نماید.

ماده ۳- رییس جمهور می تواند وظایف خود را در خصوص کسب اطلاع، بازرسی، بررسی، نظارت و پیگیری از طریق نهاد ریاست جمهوری یا نمایندگان خود و یا هیأتی مرکب از افراد صاحب نظر که بدین منظور تعیین می کند، انجام دهد.

ماده ۴- کلیه نهادهای حکومتی موظفند به مکاتبات رییس جمهور، نهاد ریاست

جمهوری، نمایندگان رییس جمهور یا هیأت منصوب از سوی او در ارتباط با اجرای قانون اساسی ظرف مدت سه ماه از تاریخ وصول، پاسخ لازم را همراه با توضیحات کافی ارایه و کلیه اطلاعات، اسناد و مدارک درخواست شده را در اختیار قرار داده و حسب مورد امکان بازرسی را فراهم نمایند.

تبصره - چنانچه سازمان بازرسی کل کشور در اجرای وظایف خود از موارد نقض قانون اساسی اطلاع یافت موظف است مراتب را به ریاست جمهوری گزارش نماید.

ماده ۵- هرگاه پس از کسب اطلاع، بازرسی، نظارت و پیگیری عدم اجرا، توقف و یا نقض قانون اساسی محرز شد به شرح مواد آتی اقدام می شود.

ماده ۶- در صورتی که عدم اجرا، یا توقف اجرای قانون اساسی ناشی از فقدان، کمبود یا نقص قوانین و مقررات یا امکانات باشد، رییس جمهور تدابیر لازم را برای تصویب لوایح قانونی و تقدیم آن‌ها به مجلس شورای اسلامی و وضع مقررات و یا فراهم نمودن امکانات مقتضی اتخاذ می کند.

ماده ۷- در صورتی که توقف یا عدم اجرای صحیح قانون اساسی ناشی از کوتاهی یا سهل انگاری در قوه قضاییه باشد مراتب از سوی رییس جمهور کتباً به اطلاع رییس قوه قضاییه رسانده می شود رییس قوه قضاییه موظف است ظرف مدت سه ماه نتیجه بررسی‌ها و اقدامات خود را در جهت اجرای اصل یا اصول ذیربط قانون اساسی به اطلاع رییس جمهور برساند. چنانچه رییس جمهور توضیحات ارایه شده یا اقدامات انجام شده را کافی نداند، مراتب را به استحضار مقام رهبری می رساند.

ماده ۸- در صورتی که توقف یا عدم اجرای قانون اساسی ناشی از سهل انگاری قوه مجریه و دیگر نهادها و مؤسسات عمومی باشد، رییس جمهور با طرح موضوع در هیأت دولت یا دیگر مراجع ذی ربط، کلیه اقدامات لازم را جهت اجرای قانون اساسی انجام می دهد.

ماده ۹- در مورد نقض قانون اساسی، در صورتی که نقض، ناشی از مصوبات و تصمیمات و یا اقدامات قوه مجریه باشد:

الف - رییس جمهور دستور ابطال مصوبات و تصمیمات و یا توقف اجرای اقدامات

متخلفانه را صادر می نماید، هیأت دولت، وزراء و دستگاه‌های مربوطه موظف به رفع عوارض ناشی از نقض قانون اساسی می باشند.

ب - پرونده متخلفین به دستور رییس جمهور، حسب مورد به هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری و مراجع قضایی صالح ارسال می گردد.

ج - چنانچه نقض قانون اساسی از سوی آن دسته از دستگاه‌های اجرایی و نهادی حکومتی که مستقیماً زیر نظر رهبری هستند صورت گیرد، رییس جمهور ضمن اقدام مذکور در بندهای الف و ب مراتب را جهت اتخاذ تصمیم مقتضی به استحضار رهبری می رساند.

ماده ۱۰ - در صورتی که نقض قانون اساسی ناشی از تصمیمات و اقدامات ستادی، اجرایی و اداری قوه قضاییه باشد:

الف - مراتب با امضای رییس جمهور به اطلاع رییس قوه قضاییه رسانده می شود تا اقدامات لازم جهت رفع اثر و عوارض ناشی از نقض قانون اساسی و برخورد قانونی با متخلفین صورت گیرد. رییس قوه قضاییه موظف است اقدامات خود در این رابطه را ظرف مدت سه ماه به اطلاع رییس جمهور برساند. در صورتی که رییس جمهور توضیحات و اقدامات انجام شده را کافی تشخیص ندهد یا پاسخی از سوی رییس قوه قضاییه ظرف مهلت مقرر دریافت ننماید رییس جمهور ضمن صدور دستور ابطال تصمیمات و اقدامات مزبور مراتب را به استحضار مقام رهبری می رساند.

ب - به دستور رییس جمهور پرونده متخلفین حسب مورد به هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری دادگستری، دادگاه انتظامی قضات و مراجع قضایی صالح ارسال می شود. تبصره - در هر مورد که از سوی رییس جمهور پرونده متخلفین به لحاظ نقض قانون اساسی به مراجع صالح اداری یا قضایی ارجاع می شود، مراجع مزبور مکلفند خارج از نوبت رسیدگی نمایند و تصمیم متخذه در مورد پرونده را به اطلاع رییس جمهور برسانند.

ج - در صورتی که رییس جمهور، پس از بررسی‌های کارشناسانه تشخیص دهد تصمیم قضایی (حکم یا قرار) صادره از مقام قضایی مغایر قانون اساسی و ناقض حقوق

اساسی شناخته شده افراد در قانون اساسی است و تصمیم مزبور به لحاظ تأیید در مرحله تجدید نظر یا غیرقابل تجدیدنظر بودن یا گذشتن موعده اعتراض قطعی شده است، می‌تواند از طریق دادستان کل کشور درخواست نقض حکم را از دیوان عالی کشور بنماید. دادستان کل کشور به محض دریافت درخواست رییس جمهوری بدون لزوم هرگونه تشریفات، موضوع را بررسی و با ذکر استدلال رییس جمهوری و نظر خود از دیوان عالی کشور درخواست نقض تصمیم قضایی صادره را می‌نماید.

حکم تبصره ۲ ماده ۲۶۹ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری یعنی متوقف شدن اجرای حکم با درخواست نقض توسط دادستان کل در این جا جاری است. چنانچه دیوان عالی کشور تصمیم صادره را نقض کرد، طبق ذیل ماده ۲۶۹ قانون آیین دادرسی فوق‌الذکر عمل خواهد شد.

ماده ۱۱- در صورتی که رییس جمهور مصوبه مجلس شورای اسلامی را مغایر و ناقض قانون اساسی تشخیص دهد نظر خود را مستنداً به مجلس و شورای نگهبان منعکس می‌نماید مجلس و شورای نگهبان باید ملاحظات رییس جمهور را مورد توجه قرار داده و اقدام لازم را جهت اصلاح مصوبه مغایر قانون اساسی به عمل آورند یا پاسخ کافی به رییس جمهور بدهند.

ماده ۱۲- چنانچه رییس جمهور تشخیص دهد که شورای نگهبان در انجام وظایف قانونی خود از جمله اعمال نظارت بر انتخابات مرتکب نقض قانون اساسی شده مراتب را جهت ارایه توضیحات و انجام اقدامات لازم به اطلاع شورای نگهبان می‌رساند، در صورتی که شورای نگهبان ظرف مدت سه ماه از تاریخ دریافت نظر رییس جمهور پاسخی ندهد یا رییس جمهور توضیحات و اقدامات انجام شده را کافی نداند، مراتب را به استحضار مقام رهبری، مجلس شورای اسلامی و رییس قوه قضاییه می‌رساند.

ماده ۱۳- به منظور اجرای صحیح قانون اساسی، رییس جمهوری می‌تواند به قوای مقننه، قضاییه و بالاترین مقامات هر یک از نهادهای حکومتی تذکر و اخطار دهد.

تبصره - تشخیص رییس جمهور در خصوص نقض یا توقف و عدم اجرای قانون اساسی معتبر است و باید به آن ترتیب اثر داده شود. بدیهی است در هر مورد که شورای نگهبان نظر تفسیری داشته باشد طبق نظر تفسیری شورا عمل خواهد شد.

ماده ۱۴- رئیس جمهور می تواند هرگاه لازم تشخیص دهد، مردم را از طرق مقتضی در جریان موارد عدم اجرا یا نقض قانون اساسی و اقداماتی که انجام داده قرار دهد.

ماده ۱۵- رئیس جمهور می تواند سالی یک بار گزارش موارد توقف، عدم اجرا و یا نقض قانون اساسی را با تصمیمات متخذه تنظیم و ترجیحاً در سالگرد تصویب قانون اساسی به اطلاع مجلس شورای اسلامی برساند، گزارش رئیس جمهوری در جلسه علنی مجلس قرائت می شود.

ماده ۱۶- رئیس جمهور می تواند از طریق بودجه‌ای خاص نسبت به جبران خسارت وارده به شهروندان به جهت نقض حقوق اساسی شناخته شده آنها در قانون اساسی، اقدام نماید.

ماده ۱۷- به منظور نهادینه کردن فرهنگ اجرای قانون اساسی و رعایت حقوق اساسی و بنیادین شهروندان، رئیس جمهور از طریق هیأت دولت، طرح ملی آموزش حقوق اساسی شهروندان را تهیه و به تصویب می رساند.

لایحه قانونی اصلاح مواد فصل دوم قانون تعیین حدود وظایف و اختیارات و مسؤولیت‌های ریاست جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۵/۸/۲۲ مجلس شورای اسلامی
تحت عنوان:

«مسؤولیت رییس جمهور در اجرای قانون اساسی» (شماره ۳)

مقدمه

اصل ۱۱۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی، در کنار قرار دادن ریاست قوه مجریه برای رییس جمهور (جز در اموری که مستقیماً به رهبری مربوط می‌شود)، دو شأن: بالاترین مقام رسمی کشور پس از رهبری و مسؤولیت اجرای قانون اساسی را نیز برای او قائل شده است. بنابراین، رییس جمهور در عین حال که به عنوان رییس قوه مجریه، در ردیف رؤسای قوه مقننه و قضاییه قرار دارد و در این شأن، طبق اصل ۶۰ نسبت به اعمال قوه مجریه (جز در اموری که مستقیماً به رهبری مربوط است) اقدام می‌نماید، به طور مطلق و عام و شامل و بدون قید، مسؤولیت اجرای قانون اساسی را نیز به عهده دارد، در متن سوگندی که رییس جمهور طبق اصل ۱۲۱ قانون اساسی ادا می‌نماید خود را شرعاً و قانوناً به انجام این مسؤولیت به ویژه در رابطه با آزادی و حرمت اشخاص و حقوقی که قانون اساسی برای ملت شناخته است، ملتزم می‌نماید.

فصل دوم قانون تعیین حدود وظایف و اختیارات ریاست جمهوری مصوب سال ۱۳۶۵ مجلس شورای اسلامی تحت عنوان: «مسؤولیت رییس جمهور در اجرای قانون اساسی»، در چهار ماده تا حدی نحوه اجرای این مسؤولیت را برای رییس جمهور تعیین کرده ولی ضمانت اجرایی برای تشخیص رییس جمهور و یا پیامدهای عدم توجه به اخطار و تذکر قانون اساسی رییس جمهور مشخصاً پیش‌بینی نشده و به عنوان کلی: «اقدامات لازم در ماده ۱۳ و اقدام به نحو مقتضی در ماده ۱۴» اکتفا شده است و محدوده این اقدامات لازم و یا اقدام مقتضی بیان نشده است. لذا لایحه قانونی حاضر که اصلاحاتی را در مواد چهارگانه فصل دوم قانون مزبور در بردارد و از جمله با در نظر گرفتن سایر اصول و موازین قانون اساسی ضمانت اجرا و راه‌کارهایی عملی برای انجام

این مسؤلیت رییس جمهور را شامل می شود و مصادیقی از اقدامات لازم و مقتضی را بیان می کند، تهیه شده که تقدیم مجلس محترم می گردد و درخواست تصویب آن را از نمایندگان محترم دارد.

ماده ۱- متن زیر به ماده ۱۳ اضافه می شود:

ماده ۱۳-

رییس جمهور می تواند وظایف مربوط به نظارت، کسب اطلاع، بازرسی، پیگیری و بررسی را از طریق هیأتی متشکل از افراد صاحب نظر در امور حقوقی و اجرایی به نام «هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی» یا هر نام دیگری انجام دهد. کلیه دستگاه های حکمرانی موظفند با هیأت منصوب از سوی رییس جمهور همکاری لازم نموده و به مکاتبات هیأت در ارتباط با قانون اساسی و چگونگی اجرا یا نقض آن ظرف مدت سه ماه از تاریخ وصول پاسخ لازم را همراه با توضیحات کافی، رایه و کلیه اطلاعات، اسناد و مدارک درخواست شده را در اختیار قرار دهند و عنداللزوم امکان بازرسی را فراهم نمایند. متخلف جهت پیگرد قانونی به مراجع صالح معرفی می شود.

ماده ۲- ماده ۱۴ به شرح زیر اصلاح و دو تبصره به آن الحاق می شود:

ماده ۱۴- در صورت توقف، نقض یا عدم اجرای اصلی از اصول قانون اساسی، رییس جمهور در اجرای وظایف خویش برای اجرای قانون اساسی به نحو مقتضی اقدام می نماید و برای این منظور می تواند خود یا هیأت منصوب از سوی او مراتب را به اطلاع بالاترین مقام مسؤل مربوطه در هر یک از قوا و نهادهای حکومتی برساند و علت توقف یا عدم اجرا را خواستار گردد، مقام مسؤل موظف است حداکثر ظرف مدت دو ماه پاسخ خود را مشروحاً و با ذکر دلیل به اطلاع رییس جمهور یا هیأت برساند، در صورتی که پس از بررسی به تشخیص رییس جمهور، توقف یا نقض یا عدم اجرا ثابت گردید رییس جمهور نسبت به اجرای اصل یا اصول مربوط و رفع عوارض ناشی از تخلف اقدام لازم را معمول و از جمله در صورت لزوم دستور توقف تصمیمات و اقدامات انجام شده بر خلاف قانون اساسی را صادر می نماید و پرونده امر برای رسیدگی و تعقیب متخلف به مراجع صالح اداری و قضایی ارسال می گردد.

تبصره ۱- در صورتی که به تشخیص رئیس جمهور پس از بررسی های کارشناسانه و از جمله کسب نظر هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی، تصمیم قضایی صادره از سوی مرجع قضایی، مغایر قانون اساسی باشد، و تصمیم مزبور قطعی بوده یا بلحاظ عدم تجدیدنظر خواهی یا انقضای موعده، یا تأیید در مرجع تجدیدنظر قطعی شده باشد، رئیس جمهور می تواند از طریق دادستان کل کشور درخواست نقض تصمیم قضایی صادره را از دیوان عالی کشور بنماید. دادستان کل کشور به محض دریافت درخواست رئیس جمهور بدون هیچ گونه تشریفات با ذکر استدلال رئیس جمهور و نظر خود، خواستار نقض تصمیم صادره از دیوان عالی کشور می شود.

درخواست نقض تصمیم توسط دادستان کل کشور از دیوان عالی کشور، موجب توقف اجرای آن تصمیم و آثار و تبعات آن تا پایان رسیدگی دیوان عالی کشور خواهد شد.

در صورت نقض تصمیم از سوی دیوان عالی کشور، پرونده جهت رسیدگی به دادگاه هم عرض ارسال می شود.

تبصره ۲- رئیس جمهور می تواند از طریق تعیین بودجه ای خاص نسبت به جبران خسارت وارده به شهروندان به جهت نقض حقوق اساسی شناخته شده آن ها در قانون اساسی اقدام نماید.

ماده ۳- ماده ۱۵ به شرح زیر اصلاح می شود:

به منظور اجرای صحیح و دقیق قانون اساسی، رئیس جمهور حق دارد به بالاترین مقامات هر یک از نهادهای حکومتی و از جمله قوای مقننه و قضاییه تذکر و اخطار دهد. ترتیب اثر ندادن به تذکر و اخطار رئیس جمهور، می تواند به اقدامات مذکور در ماده ۱۴ این قانون و تبصره ۱ آن منجر شود.

ماده ۴- ماده ۱۶ به شرح زیر اصلاح می شود:

ماده ۱۶- رئیس جمهور می تواند سالی یک بار گزارش موارد توقف، عدم اجراء و یا نقض قانون اساسی را با تصمیمات متخذه و احیاناً ذکر موانع و مشکلات، تنظیم و ترجیحاً در سالگرد تصویب قانون اساسی به اطلاع مقام رهبری و مجلس شورای

اسلامی برساند. گزارش رییس جمهور در جلسه علنی مجلس قرائت می شود. همچنین رییس جمهور، می تواند هرگاه لازم بداند، مستقیماً مردم را از طرق مقتضی در جریان موارد عدم اجرا یا نقض قانون اساسی و اقداماتی که انجام داده قرار دهد.

ماده واحده قانون تعیین ضمانت اجرای قانونی برای انجام مسؤولیت اجرای قانون اساسی توسط رئیس جمهور (موضوع اصل ۱۱۳ قانون اساسی) (شماره ۴)

با توجه به این که طبق اصل ۱۱۳ قانون اساسی، رئیس جمهور، به عنوان رئیس جمهور (نه صرفاً به عنوان رئیس قوه مجریه) بالاترین مقام رسمی کشور، پس از مقام رهبری، به طور مطلق و عام‌الشمول مسؤول اجرای قانون اساسی است و طبعاً در رابطه با انجام این وظیفه، طبق اصل ۱۲۲ در برابر ملت، رهبر و مجلس شورای اسلامی مسؤول است.

با عنایت به التزامی که رئیس جمهور به حکم سوگندی که طبق اصل ۱۲۱ قانون اساسی ادا می نماید، به پاسداری از قانون اساسی و حمایت از آزادی و حرمت اشخاص و حقوقی که قانون اساسی برای آنها شناخته است دارد و برای این که رئیس جمهور بتواند این وظیفه سنگین را به نحو مؤثری انجام دهد، ماده واحده زیر تصویب می شود:

ماده واحده - در صورتی که رئیس جمهور پس از بررسی های کارشناسانه و از جمله اخذ نظر مشورتی هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی تشخیص دهد تصمیم متخذه، از سوی هر یک از قوا و نهادهای حکومتی، مغایر قانون اساسی و به ویژه ناقض حقوق اساسی شناخته شده افراد در قانون اساسی است، می تواند دستور متوقف شدن تصمیم مزبور را صادر نماید و پرونده امر را جهت رسیدگی لازم به مراجع مربوطه اداری و قضایی ارجاع نماید.

با دستور رئیس جمهور، تصمیم اتخاذ شده موقوف الاجرا و آثار و تبعات آن مرتفع می شود.

تبصره - در صورتی که رئیس جمهور تصمیم قضایی صادره از سوی مراجع قضایی را به شرح فوق مغایر قانون اساسی و ناقض حقوق اساسی افراد تشخیص دهد و تصمیم مزبور به لحاظ تأیید در مرحله تجدیدنظر و یا غیرقابل تجدیدنظر بودن و یا انقضای موعد تجدیدنظر خواهی قطعی شده باشد، می تواند از طریق دادستان کل کشور، درخواست نقض تصمیم قضایی مزبور را بخواهد، دادستان کل کشور به محض دریافت

درخواست رییس جمهور بدون هیچ گونه تشریفات با ذکر استدلال رییس جمهور و نظر خود، خواستار نقض تصمیم صادره از دیوان عالی کشور می شود.

- درخواست نقض حکم توسط دادستان کل از دیوان عالی کشور، موجب توقف اجرای حکم تا پایان رسیدگی دیوان عالی کشور خواهد بود.

- در صورت نقض تصمیم از سوی دیوان عالی کشور، پرونده جهت رسیدگی به دادگاه هم عرض ارسال می شود.

مصوبه هیأت دولت

لایحه قانونی اصلاح مواد فصل دوم قانون تعیین حدود و وظایف و اختیارات و مسؤولیت‌های ریاست جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۵/۸/۲۲ مجلس شورای اسلامی تحت عنوان: «مسؤولیت رییس جمهور در اجرای قانون اساسی»

ماده ۱- متن زیر به ذیل ماده ۱۳ اضافه می‌شود:

رییس جمهور می‌تواند وظایف مربوط به نظارت، کسب اطلاع، بازرسی، پیگیری و بررسی را از طریق هیأتی متشکل از افراد صاحب نظر در امور حقوقی و اجرایی به نام هیأت منصوب از سوی رییس جمهور همکاری لازم را نموده و به مکاتبات هیأت در ارتباط با قانون اساسی و چگونگی اجرا یا نقض آن در اسرع وقت مناسب، حداکثر ظرف مدت دو ماه از تاریخ وصول، پاسخ لازم را همراه با توضیحات کافی ارائه داده و کلیه اطلاعات، اسناد و مدارک درخواست شده را در اختیار هیأت قرار دهند و امکان بازرسی را فراهم نمایند.

تبصره - متخلف جهت پیگرد قانونی به مراجع صالح معرفی می‌شود و در صورت اثبات تخلف به سه ماه تا یک سال انفصال از خدمات دولتی محکوم خواهد شد.

ماده ۲- ماده ۱۴ به شرح زیر اصلاح و دو تبصره به آن الحاق می‌شود.

ماده ۱۴- در صورت توقف، نقض یا عدم اجرای اصلی از اصول قانون اساسی، رییس جمهور در اجرای وظایف خویش برای اجرای قانون اساسی به نحو مقتضی اقدام می‌نماید و برای این منظور می‌تواند ضمن دستور توقف تصمیمات و اقدامات انجام شده بر خلاف قانون اساسی، مراتب را به اطلاع بالاترین مقام مسؤول مربوطه در هر یک از قوا و نهادهای حکومتی برساند و علت توقف، نقض یا عدم اجرا را خواستار گردد، مقام مسؤول موظف است در اسرع وقت مناسب، حداکثر ظرف مدت دو ماه پاسخ خود را مشروحاً و با ذکر دلیل به اطلاع رییس جمهور برساند، در صورتی که پس از بررسی و تشخیص رییس جمهور، توقف یا نقض یا عدم اجرا همچنان ثابت باشد،

رییس جمهور نسبت به اجرای اصل یا اصول مربوطه و رفع عوارض ناشی از تخلف اقدام لازم را معمول و از جمله دستور توقف تصمیمات و اقدامات انجام شده‌ی برخلاف قانون اساسی را صادر می‌نماید. و پرونده امر را برای تعقیب متخلف، به مراجع صالح اداری و قضایی ارسال می‌دارد. متخلف برای بار اول یک تا سه سال و در صورت تکرار به انفصال دائم از خدمات دولتی محکوم می‌شود.

تبصره ۱- در صورتی که به تشخیص رییس جمهور، پس از بررسی‌های کارشناسی از جمله کسب نظر هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی، تصمیم قضایی صادره از سوی مراجع قضایی، مغایر قانون اساسی باشد رییس جمهور درخواست نقض آن را به شعبه‌ای خاص در دیوان عالی کشور متشکل از یک رییس و دو مستشار به انتخاب هیأت عمومی دیوان عالی کشور که همگی دارای پایه ۱۱ قضایی باشند ارجاع می‌دهد. رسیدگی توسط قضات شعبه مزبور انجام و نظر اکثریت قضات ملاک عمل خواهد بود هنگام رسیدگی هیأتی مرکب از سه حقوق‌دان به انتخاب مجلس شورای اسلامی و سه حقوق‌دان به انتخاب هیأت وزیران در جلسه حضور خواهند داشت و نظرات و توضیحات خود را به شعبه ارایه خواهند کرد.

درخواست نقض تصمیم قضایی از سوی رییس جمهور موجب توقف اجرای آن و آثار و تبعات آن تا پایان رسیدگی می‌شود.

در صورت نقض تصمیم از سوی شعبه مزبور، پرونده جهت رسیدگی به مرجع قضایی صالح ارسال می‌شود و آن مرجع مکلف به تبعیت از نظر شعبه خاص دیوان عالی کشور خواهد بود.

تبصره ۲- رییس جمهور می‌تواند از طریق تعیین بودجه‌ای خاص نسبت به جبران خسارات و لطمات وارده به شهروندان به جهت نقض حقوق اساسی شناخته شده آن‌ها در قانون اساسی اقدام نماید.

ماده ۳- ماده ۱۵ به شرح زیر اصلاح می‌شود:

ماده ۱۵- به منظور اجرای صحیح و دقیق قانون اساسی، رییس جمهور حق دارد به بالاترین مقام هر یک از نهادهای حکومتی و قوای سه‌گانه تذکر و اخطار دهد.

نرتیب اثر ندادن به تذکر و اخطار رییس جمهور، می تواند به اقدامات مذکور در ماده ۱۴ این قانون و تبصره ۱ آن منجر شود.

ماده ۴- ماده ۱۶ به شرح زیر اصلاح می شود:

ماده ۱۶- رییس جمهور می تواند سالی یک بار گزارش موارد توقف و عدم اجرا و یا نقض قانون اساسی را با تصمیمات متخذه و ذکر موانع و مشکلات، تنظیم و به اطلاع مجلس شورای اسلامی برساند. گزارش رییس جمهور در جلسه علنی مجلس قرائت می شود.

همچنین رییس جمهور می تواند هرگاه لازم بداند، مستقیماً مردم را از طریق مقتضی در جریان موارد عدم اجرا یا نقض قانون اساسی و اقداماتی که انجام داده قرار دهد.

رییس جمهور

مصوبه مجلس شورای اسلامی

شماره ۲۲۲۲

تاریخ ۱۳۸۲/۱/۲۴

لایحه اصلاح مواد فصل دوم قانون تعیین حدود و وظایف و اختیارات و مسؤولیت‌های ریاست جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۵/۸/۲۲ مجلس شورای اسلامی تحت عنوان «مسؤولیت رییس جمهور در اجرای قانون اساسی»

ماده ۱- متن زیر و تبصره ذیل آن به انتهای ماده (۱۳) اضافه می‌شود:

رییس جمهور می‌تواند وظایف مربوط به نظارت، کسب اطلاع، بازرسی، پیگیری و بررسی را از طریق هیأتی متشکل از افراد صاحب نظر در امور حقوقی و اجرایی به نام هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، انجام دهد. کلیه دستگاه‌های حکومتی موظفند با هیأت منصوب از سوی رییس جمهور همکاری لازم را نموده و به مکاتبات هیأت در ارتباط با قانون اساسی و چگونگی اجرا یا نقض آن در اسرع وقت مناسب، حداکثر ظرف مدت دو ماه از تاریخ وصول، پاسخ لازم را همراه با توضیحات کافی ارائه داده و کلیه اطلاعات، اسناد و مدارک درخواست شده را در اختیار هیأت قرار دهند و امکان بازرسی را فراهم نمایند.

تبصره ۲- ماده (۱۴) به شرح زیر اصلاح و سه تبصره به آن الحاق می‌شود:

ماده ۱۴- در صورت توقف، نقض یا عدم اجرای اصلی از اصول قانون اساسی، رییس جمهور در اجرای وظایف خویش برای اجرای قانون اساسی به نحو مقتضی اقدام می‌نماید و برای این منظور می‌تواند ضمن دستور توقف تصمیمات و اقدامات انجام شده بر خلاف قانون اساسی، مراتب را به اطلاع بالاترین مقام مسؤول مربوطه در هر یک از قوا و نهادهای حکومتی برساند و علت توقف، نقض یا عدم اجرا را خواستار گردد. مقام مسؤول موظف است در اسرع وقت مناسب، حداکثر ظرف مدت دو ماه

پاسخ خود را مشروحاً و با ذکر دلیل به اطلاع رییس جمهور برساند. در صورتی که پس از بررسی و تشخیص رییس جمهور، توقف یا نقض یا عدم اجرا همچنان ثابت باشد، رییس جمهور نسبت به اجرای اصل یا اصول مربوطه و رفع عوارض ناشی از تخلف اقدام لازم را معمول و از جمله دستور توقف تصمیمات و اقدامات انجام شده بر خلاف قانون اساسی را صادر می نماید و پرونده امر را برای تعقیب متخلف، به مراجع صالح اداری و قضایی ارسال می دارد. متخلف برای بار اول به یک تا سه سال و در صورت تکرار به انفصال دائم از خدمات دولتی محکوم می شود.

تبصره ۱- رییس جمهور اگر رأی قضایی را مغایر قانون اساسی تشخیص دهد نقض رأی مذکور را از دیوان عالی کشور درخواست می نماید. این درخواست موجب توقف اجرا و آثار و تبعات رأی تا پایان رسیدگی می شود.

رییس قوه قضاییه مکلف است شعبه ای خاص در دیوان عالی کشور متشکل از یک رییس و دو مستشار که دارای پایه یازده قضایی باشند را برای رسیدگی به این درخواست تشکیل دهد.

اعضاء این شعبه به انتخاب هیأت عمومی دیوان عالی کشور و با حکم رییس قوه قضاییه منصوب می شوند.

رسیدگی به درخواست رییس جمهور توسط قضات شعبه مزبور انجام و نظر اکثریت ملاک عمل خواهد بود. هنگام رسیدگی هیأتی مرکب از سه حقوق دان به انتخاب مجلس شورای اسلامی و سه حقوق دان به انتخاب هیأت وزیران در جلسه حضور خواهند داشت و نظرات و توضیحات خود را به شعبه ارایه خواهند نمود. در صورت نقض رأی از سوی شعبه مزبور پرونده جهت رسیدگی به مرجع قضایی صالح ارسال می شود و آن مرجع مکلف به تبعیت از نظر شعبه خاص دیوان عالی کشور خواهد بود.

تبصره ۲- اقدامات نظارتی و مصوبات مجلس شورای اسلامی با رعایت ضوابط مقرر و تفسیر شورای نگهبان (در چارچوب قانون اساسی) از اصول قانون اساسی و استیضاح موضوع بند (۲) اصل هشتماد و نهم (۸۹) قانون اساسی و حکم دیوان عالی کشور موضوع بند (۱۰) اصل یکصد و دهم (۱۱۰) قانون اساسی، از شمول این ماده مستثنی می باشند.

تبصره ۳- رئیس جمهور می تواند نسبت به جبران خسارات و نظومات وارده به شهروندان به جهت نقض حقوق اساسی شناخته شده آنها از قانون اساسی از طریق پیش بینی اعتبار لازم در لوایح بودجه سالانه کل کشور اقدام نماید.

ماده ۳- ماده (۱۵) به شرح زیر اصلاح می شود:

ماده ۱۵- به منظور اجرای صحیح و دقیق قانون اساسی، رئیس جمهور می تواند در صورت احراز تخلف به هر یک از قوای مقننه و قضاییه و مجریه و نهادهای حکومتی تذکر و اخطار دهد.

ترتیب اثر ندادن به تذکر و اخطار رئیس جمهور، می تواند به اقدامات مذکور در ماده (۱۴) این قانون و تبصره (۱) منجر شود.

ماده ۴- ماده (۱۶) به شرح زیر اصلاح می شود:

ماده ۱۶- رئیس جمهور سالی یک بار گزارش موارد توقف و عدم اجرا و یا نقض قانون اساسی را با تصمیمات متخذه و ذکر موانع و مشکلات، تنظیم و به اطلاع مجلس شورای اسلامی می رساند. گزارش رئیس جمهور در جلسه علنی مجلس قرائت می شود.

همچنین رئیس جمهور می تواند هرگاه لازم بداند، مستقیماً مردم را از طریق مقتضی در جریان موارد عدم اجرا یا نقض قانون اساسی و اقداماتی که انجام داده، قرار دهد. لایحه فوق مشتمل بر چهار ماده در جلسه علنی روز سه شنبه مورخ نوزدهم فروردین ماه یکهزار و سیصد و هشتاد و دو به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است.

مهدی کروبی

رئیس مجلس شورای اسلامی

نظر شورای نگهبان در مورد مصوبه مجلس

ریاست محترم مجلس شورای اسلامی

عطف به نامه شماره ۲۲۲۲ مورخ ۱۳۸۲/۱/۲۴ و پیرو نامه شماره ۸۲/۳۰/۲۸۴۲ مورخ

۱۳۸۲/۲/۴

«لایحه اصلاح مواد فصل دوم قانون تعیین حدود وظایف و اختیارات و مسؤولیت‌های ریاست جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۵/۸/۲۲ مجلس شورای اسلامی تحت عنوان «مسؤولیت رییس‌جمهور در اجرای قانون اساسی»

مصوب جلسه مورخ نوزدهم فرودین ماه یک هزار و سیصد و هشتاد و دو مجلس شورای اسلامی در جلسات شورای نگهبان مطرح شد که نظر شورا به شرح زیر اعلام می‌گردد:

۱- ماده یک:

الف - در مواردی که رهبر در دستگاه‌های زیر نظر خود اعمال ولایت نموده باشند دادن اختیار نظارت و کسب اطلاع، ... به رییس‌جمهور نسبت به آن خلاف شرع شناخته شد.

ب - عموم عبارت «کلیه دستگاه‌های حکومتی» نسبت به دستگاه‌هایی که به نص قانون اساسی یا با اعمال اختیارات موضوع اصل ۵۷ قانون اساسی مستقیماً زیر نظر مقام معظم رهبری می‌باشند مغایر اصول قانون اساسی از جمله اصول ۵۷، ۱۱۰، ۱۱۳ و ۱۷۵ شناخته شد.

ج - چون ظاهر ماده، استقلال هیأت مذکور در مقام عمل است لذا اصل تشکیل چنین هیأتی خلاف اصل ۱۱۳ قانون اساسی شناخته شد.

د - شمول دستگاه‌های حکومتی در مورد خبرگان رهبری و شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت و مجلس شورای اسلامی و قوه قضاییه و هر مقام و دستگاه دیگری که قانون اساسی به آن‌ها اختیار یا وظیفه‌ای داده است نسبت به تشخیص، برداشت، نوع و کیفیت اعمال این اختیار و مسؤولیت خلاف اصول مربوط قانون اساسی من جمله ۷۱، ۷۳، ۸۵، ۹۴، ۹۶، ۹۸، ۹۹، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۲، ۱۵۶ شناخته شد.

ه - عموم عبارت کلیه دستگاه‌ها شامل دستگاهی می‌شود که در قانون اساسی مرجع تشخیص مغایرت با اصول قانون اساسی تعیین شده است. لذا از این جهت مغایر اصول ۹۴ و ۹۶: ۹۸ قانون اساسی شناخته شد.

۲- تبصره ماده یک:

الف - چون تبصره ذیل این ماده مبتنی بر مفاد ماده مذکور است با توجه به ایرادات وارده بر آن باید اصلاح شود سپس اظهارنظر خواهد شد.

۳- ماده دو:

الف - صدور دستور توقف در خصوص تصمیمات و اقداماتی که مطابق قانون اساسی مسؤول مشخص دارد خلاف اصول متعدد قانون اساسی من جمله اصول ۷۱، ۸۵، ۹۴، ۹۶، ۹۸، ۹۸، ۹۹، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۵۹، ۱۵۶، ۱۱۲، ۱۷۵ شناخته شد.

و نیز عبارت «هر یک از قوا و نهادهای حکومتی» همان ایرادات شرعی و قانون اساسی جزءهای «الف، ب، د، ه» بند «۱» را دارد.

ب - اطلاق ظاهر عبارت «پرونده امر را برای تعقیب متخلف به مراجع صالح قضایی ارسال می‌دارد» نسبت به موردی که قاضی تشخیص تخلف ندهد خلاف اصل ۱۵۶ قانون اساسی شناخته شد.

۴- تبصره یک ماده دو:

الف - چون مستفاد از اصول قانون اساسی این است که رسیدگی قضایی در تمام مراحل از ابتدا تا قطعیت حکم به عهده قوه قضاییه و محاکم دادگستری می‌باشد ورود رییس‌جمهور در پرونده‌های قضایی و احکام صادره از این جهت مغایر اصول ۳۶، ۱۵۶، ۱۵۹ قانون اساسی شناخته شد و الزام قوه قضاییه و محاکم و قضات به رسیدگی، به صرف درخواست رییس‌جمهور دخالت در امر قضاء و موجب اخلال در وظایف و اختیاراتی است که به نص قانون اساسی بر عهده این قوه نهاده شده است از این جهت نیز مغایر اصول ۵۷ و ۱۵۶ قانون اساسی شناخته شد ضمناً چون درخواست مذکور موجب توقف اجرا و آثار و تبعات رأی می‌گردد همان ایراد مربوط به قوه قضاییه موضوع جزء «الف» بند «۳» را دارد.

ب - ملزم نمودن رییس قوه قضاییه، به انتخاب کسانی که هیأت عمومی دیوان عالی کشور انتخاب نموده است خلاف بند «۳» اصل ۱۵۸ قانون اساسی شناخته شد.

ج - الزام دادگاه به پذیرفتن حضور حقوق‌دانان شش‌گانه در دادگاه مذکور مستلزم دخالت قوه مقننه و مجریه در قوه قضاییه و تجاوز از حدود و اختیاراتشان در قانون اساسی و مخل استقلال قوه قضاییه است لذا از این جهت مغایر اصول ۵۷ و ۱۵۶ قانون اساسی شناخته شد.

د - الزام قاضی به تبعیت از حکم شعبه خاص دیوان عالی کشور خلاف موازین شرع شناخته شد همچنین مستفاد از اصل ۱۶۷ قانون اساسی آن است که قاضی مکلف است منحصرأ مطابق قوانین مدونه حکم صادر کند و چنانچه حکم قضیه را در قوانین مدونه نیابد با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر حکم صادر نماید و طریق دیگری پیش‌بینی نشده است لذا از این جهت مغایر اصل مذکور شناخته شد.

۵ - تبصره دو ماده دو:

الف - منظور از اقدامات نظارتی موضوع صدر این تبصره، و این که مربوط به چه دستگاه یا دستگاه‌هایی است مشخص شود تا اظهار نظر گردد.

ب - مفاد و مفهوم این تبصره همان ایرادات جزءهای «د، ه، بند «۱» و جزء «الف» بند «۴» را دارد پس از رفع اشکال اظهار نظر خواهد شد.

۶ - تبصره سه ماده دو:

الف - اطلاق پرداخت خسارت وارده توسط اشخاص از بیت‌المال در شرایطی که مصارف مهمی جهت رفع نیازهای ضروری مردم در میان باشد خلاف موازین شرع شناخته شد.

ب - اطلاق این تبصره شامل مواردی می‌شود که تشخیص ورود خسارت و مقصر و میزان آن نیازمند رسیدگی قضایی است لذا این تبصره مغایر با اصول مربوط به قضا و تفکیک قوا (اصول ۵۷ و ۱۵۶ قانون اساسی) می‌باشد.

۷ - ماده سه:

الف - این ماده ایرادات جزءهای «الف، ب، د، ه» بند «۱» و بندهای «۲ و ۳» را دارد.

۸ - ماده چهار:

الف - قرائت گزارش موضوع این ماده در جلسه علنی مجلس شورای اسلامی بدون رعایت اصل ۶۹ قانون اساسی مغایر این اصل می‌باشد.

۹- در تبصره ماده «۱» و ماده «۲» و ذیل ماده «۳» معرفی به دادگاه برای ضمانت اجرا موجب تداخل قوای می‌گردد و از این جهت مغایر اصول ۵۷ و ۱۵۶ قانون اساسی می‌باشد.

۱۰- عموم و اطلاق ماده «۲» و تبصره «۱» آن و ماده «۳» موجب معتبر دانستن برداشت رییس‌جمهور از قانون اساسی در موارد اختلاف است لذا از این جهت مغایر اصل ۹۸ قانون اساسی شناخته شد.

دبیر شورای نگهبان

احمد جنتی

نظر مشورتی حقوقی هیأت در مورد نظر شورای نگهبان

بسمه تعالی

شماره ۸۲-۱۶۹

تاریخ ۱۳۸۲/۲/۳۰

حضرت حجة الاسلام والمسلمین جناب آقای خاتمی

ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران

با سلام

حسب درخواست معاونت محترم حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری نامه شماره ۸۲/۳۰/۲۹۴۴ مورخ ۸۲/۲/۱۷ شورای نگهبان در خصوص اظهار نظر نسبت به مصوبه مجلس شورای اسلامی درباردهی لایحه اصلاح مواد فصل دوم قانون تعیین حدود وظایف و اختیارات و مسؤولیت‌های ریاست جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۵/۸/۲۳ مجلس شورای اسلامی تحت عنوان: «مسؤولیت رییس جمهور در اجرای قانون اساسی»، در جلسه مورخ ۸۲/۲/۲۰ هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفت. ملاحظات و نظرات مشورتی هیأت در ارتباط با برخی از ایرادات عمده مطروحه در آن نامه جهت استحضار جناب عالی به طور خلاصه به شرح زیر اعلام می‌گردد و البته از ورود در جریبات امر خودداری می‌شود:

۱- در شق الف بند یک، ایراد شورای نگهبان در واقع به ماده ۱۳ قانون حدود اختیارات ریاست جمهوری مصوب ۱۳۶۵ است که به موقع خود، شورای نگهبان از این حیث بر آن ایرادی نگرفته و معلوم نیست با ایراد فعلی در مقام تفسیر و یا تخصیص ماده سابق التصویب که در اصلاحیه فعلی تغییری در آن ایجاد نشده، می‌باشد و یا به نوعی آن را لازمه الحاقیه ماده ۱۳ که طریق اعمال وظیفه ریاست جمهوری را بیان می‌کند می‌داند و به هر حال صرف نظر از ماهیت امر، جایگاه شکلی این نوع اظهار نظر و تأثیر آن بر قانون تصویب شده و تأیید شده قبلی، روشن نیست.

۲- در شق ب بند یک، مغایر دانستن عموم عبارت: «کلیه دستگاه‌های حکومتی» با اصل ۱۱۳ قانون اساسی ظاهراً مبتنی بر این برداشت است که قید: «جز در اموری که مستقیماً به رهبری مربوط می‌شود» در ذیل اصل ۱۱۳ هم به عنوان ریاست قود مجریه و هم مسؤولیت اجرای قانون اساسی برمی‌گردد، در حالی که از قواعد پذیرفته شده در علم اصول، این است که «استثناء متعقب جمل به جمله آخر باز می‌گردد نه به جمله‌های دیگر مگر در صورت وجود قرینه خلاف»، که در اینجا نه تنها قرینه‌ای خلاف آن نیست بلکه تعبیر اصل ۶۰ قانون اساسی: (اعمال قود مجریه جز در اموری که در این قانون مستقیماً بر عهده رهبری گذارده شده، از طریق رییس‌جمهور و وزراء است) و بی معنی بودن ارجاع این قید به جمله اول اصل ۱۱۳ یعنی عالی‌ترین مقام رسمی کشور پس از رهبری، قرینه‌ای است بر لزوم ارجاع قید مزبور به جمله اخیر یعنی ریاست قود مجریه.

۳- در ارتباط با شق ج بند یک و مغایرت اصل تشکیل هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی با اصل ۱۱۳ به لحاظ این‌که ظاهر از الحاقیه ماده ۱۳ به نظر شورای نگهبان، استقلال آن هیأت است، به نظر می‌رسد علی‌الظاهر برداشت شورای نگهبان از اصل ۱۱۳ قانون اساسی این است که مسؤولیت اجرای قانون اساسی خاص شخص رییس‌جمهور است و شخص یا نهاد دیگری نمی‌تواند مستقلاً این کار را انجام دهد. در این خصوص باید گفت الحاقیه ماده ۱۳ نیز این وظیفه را مستقلاً به عهده نهاد دیگری مثلاً هیأت نظارت نگذاشته بلکه در جهت تسهیل انجام وظیفه رییس‌جمهور، پیش‌بینی شده که وی بتواند از طریق هیأت منصوب از سوی خود و طبعاً تحت تعلیمات خویش، امور مذکور در آن ماده را انجام دهد و الحاقیه ظهوری در استقلال عمل هیأت ندارد. در عین حال محض احتیاط می‌توان پیش‌بینی کرد که هیأت مزبور زیر نظر رییس‌جمهور و با ارجاع او، امور محوله را انجام می‌دهد. چنان که رویه هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی نیز از بدو تشکیل تاکنون چنین بوده است.

۴- در ارتباط با شق ۵ بند ۱ روشن است که مرجع تفسیر قانون اساسی و تشخیص مغایرت یا عدم مغایرت با قانون اساسی شورای نگهبان است و هر جا شورای مزبور نظری تفسیری داشته باشد باید طبق آن عمل گردد و این امر به نحوی در تبصره ۲ اصلاحی ماده ۱۴ ذکر شده و اگر لازم باشد می‌توان روشن‌تر آن را بیان کرد ولی به هر حال، این امر موجب نمی‌شود که رییس‌جمهور به حکم مسؤولیت اجرای قانون اساسی، اگر روندی را بر خلاف قانون اساسی یا در مقام توقف و عدم اجرای اصلی از اصول آن مشاهده کرد اقدامی صورت ندهد، چنان که شورای نگهبان خود صراحتاً در نامه شماره ۸۲۵۵/ش مورخ ۵۹/۹/۱۲ اعلام داشته که رییس‌جمهور با توجه به اصل ۱۱۳ حق اخطار و تذکر را دارد و منافات با بند ۳ اصل ۱۵۶ ندارد.

۵- صدور دستور توقف موضوع صدر ماده ۱۴ اصلاحی که در شق الف بند ۳ نامه شورای نگهبان مورد ایراد قرار گرفته، صرفاً ناظر به تصمیمات اجرایی و ستادی دستگاه‌هاست و علی‌الاصول ارتباطی با اصول ذکر شده در بند مزبور ندارد، اگر لازم باشد می‌توان روشن‌تر بیان کرد و اتفاقاً شورای نگهبان در مواردی از رییس‌جمهور خواسته است که دستور توقف برخی تصمیمات و مصوبات خلاف قانون اساسی را صادر نماید از جمله در مورد لایحه تعزیرات در سال ۱۳۶۲ خطاب به رییس‌جمهور وقت آمده است: «خواهشمند است از دستور مؤکد منع اجرای این لایحه شورای نگهبان را مطلع نمایید.» که رییس‌جمهور محترم وقت نیز در تاریخ ۱۳۶۲/۹/۴ خطاب به شورای عالی قضایی مرقوم فرمودند: «تا اطلاع بعدی از اجرای لایحه قانونی یاد شده خودداری فرمایید.» و نیز طی نامه شماره ۲۶۲-۱۱/م مورخ ۱۳۶۶/۲/۱۲ سرپرست نهاد ریاست جمهوری خطاب به وزیر مسکن و شهرسازی، بخش‌نامه صادره از نخست‌وزیری را به عنوان این که خلاف قانون اساسی است (با توجه به نامه شورای نگهبان) خلاف قانون اساسی دانسته و دستور کان لم یکن بودن آن را داده است.

۶- در خصوص شق ب بند ۳ روشن است که منظور از ارسال پرونده به مرجع قضایی برای تعقیب متخلف، درخواست رسیدگی قضایی است و طبعاً این، مقام قضایی است که

تصمیم مناسب را از منع تعقیب یا دستور تعقیب و محکومیت یا تبرئه صادر می نماید، اگر با وجود وضوح امر، لازم باشد می توان روشن تر بیان کرد.

۷- در مورد شق الف بند ۴، خلاصه مطلب این است که قانون به رییس جمهور که طبق قانون اساسی مسؤول اجرای قانون اساسی است و باید پاسخگوی این مسؤولیت خود باشد اجازه می دهد که اگر در موردی برایش مشخص شد حکم صادره قضایی بر خلاف اصل یا اصولی از قانون اساسی است بتواند از بالاترین مرجع قضایی یعنی دیوان عالی کشور درخواست رسیدگی نماید. همان گونه که ماده واحده قانونی سال ۱۳۷۸ با اعطاء مقام قضایی به رییس قوه قضاییه اجازه داده است که اگر حکمی را خلاف شرع بین تشخیص داد درخواست رسیدگی از دیوان کشور بنماید به نظر نمی رسد این امر خلاف استقلال دستگاه قضایی و دخالت قوه مجریه در قوه قضاییه باشد، ولی در عین حال مسأله نظری است، توقف اجراء حکم صادره در پی درخواست رییس جمهور، نتیجه طبیعی پذیرش درخواست رسیدگی مجدد در دیوان عالی کشور است، همان گونه که در تبصره ۲ ماده ۲۶۹ قانون آیین دادرسی کیفری در مورد درخواست دادستان کل کشور آمده است و هرگز به مفهوم دستور توقف اجرای حکم از سوی رییس جمهور نیست.

۸- برای پایان دادن به ایرادات مطروحه در شقوق ب، ج و د بند ۴ می توان با توجه به قانون جدید آیین دادرسی و تشکیل شعب تشخیص در دیوان کشور پیشنهاد نمود که درخواست رییس جمهور به یکی از شعب تشخیص ارسال گردد و شعبه مزبور در صورت نقض حکم صادره خود مبادرت به صدور رأی قطعی نماید.

۹- در مورد بند ۶ راجع به تخصیص بودجه برای پرداخت خسارت نیز فکر می کنم مشکل غیر قابل حلی وجود نداشته باشد و انجام اصلاح لازم برای رفع ایراد شورای نگهبان دشوار نیست.

۱۰- مسأله مهم که به نظر می‌رسد، این است که لازم است شورای نگهبان تفسیر مشروح خود را از اصل ۱۱۳ قانون اساسی در خصوص مسئولیت رییس‌جمهور در اجرای قانون اساسی و محدوده آن مسئولیت با توجه به برخی از اظهارنظرها که در سال‌های اولیه تصویب قانون اساسی و تشکیل جمهوری اسلامی ابراز داشته مشخص نماید. حداقل شورای نگهبان در اظهارنظر موضوع نامه شماره ۴۲۱۴ مورخ ۶۰/۱۱/۱ خود، صریحاً حق خواستن توضیحات رسمی از مقامات مسئول اجرایی و قضایی و نظامی و موظف بودن مقامات مذکور به پاسخگویی را صریحاً اعلام کرده است و در نامه مورخ ۵۹/۱۱/۸ خود در پاسخ به نامه شماره ۸۲۵۵/ش مورخ ۵۹/۹/۱۲ شورای عالی قضایی رسماً حق تذکر و اخطار رییس‌جمهور را به شورای عالی قضایی به رسمیت شناخته است، در حالی که در اظهارنظر فعلی به نظر می‌رسد چنین حقی برای رییس‌جمهور در برابر قوه قضاییه و نهادهایی چون نهادهای نظامی و غیره قائل نیست، از سوی دیگر طبق سوابق موجود در هنگام تصویب قانون حدود اختیارات سال ۱۳۶۵ با نظر و اصرار شورای نگهبان در مواد ۱۳ و ۱۴ به طور مطلق قید شده که رییس‌جمهور در صورت توقف یا عدم اجرای قانون اساسی اقدامات لازم را باید انجام یا به نحو مقتضی اقدام نماید. با توجه به انسداد طرق مختلفه متصوره که در بندهای مختلف نامه شورای نگهبان ملاحظه می‌شود، خوب است ابتدا شورای محترم مزبور که مرجع رسمی فهم و تفسیر قانون اساسی می‌باشد نظر تفسیری مستدل خود را از اصل ۱۱۳ قانون اساسی در مورد وظیفه مسئولیت اجرای قانون اساسی و کیفیت اجرای آن، با عنایتی به اظهارنظرهای اولیه خود بنماید، تا بتوان در مقام اصلاح قانون برآمد.

حسین مهرپور

مشاور رییس‌جمهور و

رییس هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی

استرداد لایحه از سوی رییس جمهور

به نام خدا

شماره ۲۰۱۶

تاریخ ۱۳۸۳/۱/۲۵

حجة الاسلام والمسلمین جناب آقای کروی

رییس محترم مجلس شورای اسلامی

با سلام

یک سال و نیم پیش به امید فراهم آوردن زمینه برگزاری انتخابات عادلانه و به منظور جلوگیری از اعمال سلیقه در جهت دفاع از حقوق مسلم مردم که صاحبان اصلی انقلاب و کشورند در فرایند مهمی که پایه نظام مردم سالاری دینی است، لایحه اصلاح قانون انتخابات را تقدیم مجلس شورای اسلامی کردم.

همچنین برای سامان دادن به سازوکارهای اعمال مسؤولیت مسلم و مصرح رییس جمهوری در اجرای قانون اساسی و یافتن ضمانت اجرای این مسؤولیت که در قانون اساسی فقط برای رییس جمهوری ذکر و تصریح شده است و نیز برای پاسداشت تعهد و سوگند رییس جمهوری که منتخب مستقیم مردم و در نتیجه مواجه با انتظارات فراوان عموم و حقوق واقعی و مسؤولیت‌های سنگین است، لایحه اصلاح موادی از قانون حدود وظایف و اختیارات رییس جمهوری را برای بررسی و تصویب به مجلس محترم شورای اسلامی ارسال داشتم و پس از آن نیز طی نامه‌ای حداقل انتظارات خود را بیان کردم.

شورای محترم نگهبان حتی علی‌رغم مصوبات روشن و متقن پیشین خود در مورد وظایف و اختیارات رییس جمهوری، هر دو لایحه را با اشکالات فراوان به مجلس برگرداند و با وجود انعطاف فراوان نمایندگان مجلس و نمایندگان دولت، همچنان بر نظرات خود پافشاری کرد. گفتنی است که متأسفانه به نظر ما حتی در موارد متعددی، نقض قانون فعلی انتخابات نیز از سوی هیأت‌های نظارت و شورای نگهبان به چشم